

## در جستجوی معرفت نفس

پروفسور ویلیام چیتیک سال 1943 در شهر میل‌فورد از توابع ایالت کنتیکت آمریکا در خانواده‌ای با مذهب پروتستان دیده به جهان گشود.



پروفسور ویلیام چیتیک سال 1943 در شهر میل‌فورد از توابع ایالت کنتیکت آمریکا در خانواده‌ای با مذهب پروتستان دیده به جهان گشود. وی در رشته تاریخ در کالج وستر به اخذ مدرک کارشناسی نائل آمد و چون احساس کرد مطالعات تاریخی درخصوص مشرق زمین و خاورمیانه نیاز مبرمی به دانستن زبان عربی دارد، برای فراگیری آن به سرزمین لبنان مهاجرت کرد و در دانشگاه آمریکایی بیروت تحصیلات خویش را پی گرفت.

وی در اثنای این مطالعات به عرفان اسلامی علاقه‌مند شد. علاقه او برای آموختن عرفان ناب اسلامی موجب شد به مدت 12 سال در ایران ساکن و در رشته ادبیات دانشگاه تهران مشغول تحصیل شود. وی سال 1353 موفق به اخذ دکترا در زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. وی هم‌اکنون در دانشگاه ایالتی نیویورک، در شهر استونی‌بروک، استاد گروه مطالعات تطبیقی ادیان است و به زبان فارسی - عربی و متون کلاسیک عرفانی این دو زبان تسلط کامل دارد.

ویلیام چیتیک در آثار خود تلاش کرده است قواعد سلوک در عرفان نظری و عملی را در قرآن و سنت بجوید. او معتقد است مقامات معنوی به دست آمده از راه کشف و شهود، با مباحث برهانی تناقض ندارد.

از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به کتاب‌های درآمدی بر تصوف و عرفان اسلامی، عوالم خیال ابن‌عربی و مسأله کثرت دینی، راه عرفانی عشق، آموزه صوفیانه مولوی، ایمان و عقل در اسلام، سیمای اسلام در کلیات جهان‌بینی اسلامی، معرفت و عرفان، ترجمه صحیفه سجادیه به زبان انگلیسی با مقدمه‌ای مشروح با عنوان زبور اسلام و آموزه‌های صوفیانه مولوی اشاره کرد. چیتیک هفته پیش به ایران آمد و در نشست #171 بررسی قلب فلسفه اسلامی، جستجوی معرفت نفس در آموزه‌های باباافضل» به ارائه سخنرانی پرداخت. ادامه نشست دکتر چیتیک، پیرامون اهمیت بابا افضل در عرفان و فلسفه اسلامی و بحث معرفت نفس به ارائه سخن پرداخت. آنچه می‌خوانید گزارشی از سخنان وی در این نشست است.

باباافضل را از وقتی که در ایران بودم می‌شناختم، اما به طور دقیق وقت نکردم که روی آثارش مطالعه و تحقیق کنم، تا این که در زمانی که روی دایره المعارف ایرانیکا، به باباافضل رسیدیم و کسی نبود که درباره او مقاله‌ای بنویسد، من قبول کردم و به مطالعه آثار او پرداختم و در چند صفحه مقاله‌ای نوشتم و 25 سال پیش در دایره‌المعارف چاپ شد.

بعدها به دلایل مختلف به باباافضل روی آوردم و چند تا از رسالات و 6 تا از مکاتباتش به شاگردانش و خلاصه قسمت هفتم کیمیای سعادت را که در مجموعه مصنفاتش چاپ نشده را هم ترجمه کردم.

چرا بابا افضل؟ چرا قلب فلسفه اسلامی؟ مقصود من چیست؟ اگر آثار فیلسوفان فلسفه اسلامی از قبیل بوعلی، ملاصدرا و دیگر فلاسفه اسلامی را خوانده باشید، درمی‌یابید که این کتاب‌ها بسیار سخت و تخصصی است و باید ساعت‌ها وقت صرف کنید تا چند صفحه از آثار آنها را مطالعه کنید و بفهمید و در بسیاری موارد در انتهای امر متوجه نمی‌شوید هدف چه بوده است. اما آثار باباافضل به این شکل نیست. او آثارش را برخلاف رسم رایج که به زبان عربی می‌نوشتند، به فارسی نگاشته است و خود هدفش را ناآشنایی و بدفهمی شاگردانش ذکر کرده است. نگارش به زبان فارسی نشان‌دهنده این است که وی آثارش را کمتر برای فلاسفه تخصصی نوشته است و بیشتر برای کسانی نوشته که در حوزه فلسفه تخصصی دارند، ولی عربی بلد نیستند.

کتاب جاودان‌نامه باباافضل که آن را ترجمه کرده‌ام، بسیار کتاب خوبی است و تنها کتاب باباافضل است که در آن آیات قرآن را نقل می‌کند و در مورد آن بحث می‌کند. 400 سال پس از او ملاصدرا این کتاب را با اضافات و خلاصاتی دوباره نوشته است. باباافضل در آثارش کوشیده به فارسی‌زبانان دلیل پرداختن به حکمت را نشان دهد. نثر آثار باباافضل شیرین‌ترین نثر فلسفه به زبان فارسی است و در کنار این که خیلی زیبا و شیرین است، از دقت و عمق بالایی نیز برخوردار است، البته در این میان کسانی چون سهروردی نیز آثاری به فارسی نوشته‌اند؛ اما آثار سهروردی بیشتر صبغه عرفانی دارد. بنابراین ترجمه آن به انگلیسی راحت بود و زیبا هم شد. سعی کردم هر جا اصطلاحات تخصصی عربی است، از برابری یونانی و لاتینی فلسفی استفاده کنم و هر جا هم که فارسی اصیل است، از برابری انگلوساکسون بهره گیرم.

چیتیک در بخش دوم سخنان خود به تشریح آخرین اثر خود، جهان‌شناسی و جان‌شناسی پرداخت و گفت: در عنوان انگلیسی این کتاب گونه‌ای تناقض از منظر جدید دیده می‌شود؛ زیرا کلمه #171 Science» در غرب به معنای علوم جدید است و برای دانش‌های قدیمی به کار گرفته نمی‌شود؛ اما وقتی از علم روح سخن می‌گویم، از نظر آنها دچار تناقض می‌شویم؛ زیرا نزد اینها #171 Soul» آمیخته به مضامین مذهبی و بعضاً خرافه‌آمیز است و نمی‌توان به آنها اطلاق علم داد. در این اثر می‌خواستیم نشان دهم علم جدید با معرفت نفس رابطه‌ای ندارد. در دانشگاه‌هایی ما خیال می‌کنند مشغول یادگیری علم هستند مثل روانکاوی، اما اینها علم به حساب نمی‌آیند. به همین دلیل تناقض موجود در نام کتاب به نظر غربی‌ها عمده بود.

این اثر مجموعه‌ای از مقاله‌ها و سخنرانی‌هایی است که در پاکستان و کانادا در جمع مسلمانان درباره موضوع‌هایی مثل علوم جدید، علوم عقلی و نقلی کردم. در تحریر کتاب‌هایم نظرم به دانشجو‌هاست و از استادان دانشگاه‌های آمریکا دست شسته‌ام. اکنون فلاسفه در دنیای غرب در حوزه‌های تنگ و محدود کار می‌کنند و معمولاً تحت تاثیر بنیان‌گذار مکتب خود هستند. فلاسفه آمریکایی، چیزی غیر

از فلسفه غرب را قبول ندارند و حتی گروهی از آنها چیزی غیر از فلسفه مدرن را قبول ندارند. فلسفه اسلامی شاید فقط در یکی، دو دانشگاه آمریکا تدریس شود.

از حدود 50 سال پیش تاکنون در آمریکا نسبت به دین اسلام بی‌اعتنایی‌هایی وجود داشته است و در عوض ادیبانی مانند هندو و بودا مورد توجه بودند؛ اما امسال حدود 100 کرسی مورد تقاضای استاد در دانشگاه‌های آمریکا در رابطه با رشته‌های مطالعات اسلامی وجود داشت. این در حالی است که در سال‌های گذشته این تقاضا در حدود 5 کرسی بود.

اما دانشجویان ما واقعا دانشجو و طالب علم‌اند. آمریکایی‌ها از جهان جدید و تعقل و مادیات خسته شده‌اند، دنبال چیزی جدیدند و حاضرند به فکرهای جدید گوش کنند. از بحث‌های عرفانی و شاعرانه و فلسفه اسلامی هم خوششان می‌آید. وقتی کتاب می‌نویسم، نظرم فقط به این قشر است، مخصوصا مسلمانان جوان که سال به سال بیش‌تر می‌شوند. اکثرشان متولد آمریکا هستند با پدر و مادری که از دین بیزارند و از کشورهای مختلف به همین دلیل به آمریکا مهاجرت کرده‌اند؛ اما خود آن جوانان زربار نمی‌روند و می‌خواهند بدانند اسلام یعنی چه و به آن علاقه پیدا کرده‌اند.

در کتاب #171 جهان‌شناسی و جان‌شناسی» علوم به رسم قدما به 2 شاخه نقلی و عقلی تقسیم شده است، علوم نقلی علمی هستند که سینه به سینه نقل می‌شوند یا به صورت کتاب گسترش می‌یابند. اصولا زبان، تاریخ و کتاب‌های مقدس از راه نقل گسترش می‌یابند و بنابراین جزو علوم نقلی هستند؛ اما ریاضیات علم عقلی است. هدف علم عقلی، شناخت نفس است؛ شناخت تدریجی‌ای که مراحل دارد و از قدیم گفته‌اند نفس، عقل بالقوه است و این از بحث‌های مهم باباافضل است. نفس باید به کمال خود برسد. هدف از فلسفه در نهایت شناخت نفس است. هدف از علوم عقلی رسیدن به چنین علمی است. در این اثر، هر کدام از این علوم روش خاص خود را دارد. وسیله رسیدن به علوم نقلی تقلید از منبع است. از سوی دیگر، توحید هم مساله‌ای است که در تمام ادیان مشترک است و از راه تقلید به دست نمی‌آید؛ چیزی است در فطرت انسان. روش علوم نقلی تقلید است. در علوم عقلی آنچه در مقابل تقلید است اجتهاد نیست، بلکه تحقیق است. تحقیق یعنی رسیدن به حق و حقیقت. اگرچه شاید ابتدای علوم عقلی با تقلید باشد، ولی سرانجام باید تقلید در علوم عقلی را کنار گذاشت. برای رسیدن به علم نفس نمی‌توان از کسی تقلید کرد. تنها راه شناخت خود، رجوع به خود است، نه استفاده و تقلید از دیگران.

نویسنده کتاب معرفت و عرفان گفت: توجه بیشترم در کتاب جهان‌شناسی و جان‌شناسی این است که علم توحیدی برای مسلمانان نباید تقلیدی باشد، بلکه عقلی است. توحید در همه ادیان مشترک است، حتی در آن آیین‌هایی که ظاهرا توحیدی نیستند، مانند آیین هندو.

علوم جدید مبنایشان به جای توحید تکثیر است و همین امر سبب شده است امکان گفتگو میان اصحاب علوم از میان برود و دو نفر از متخصصان حتی یک رشته در یک دانشکده نتوانند با یکدیگر مکالمه کنند؛ در حالی که اندیشمندان قدیمی در زمینه تحقیق اصل توحید را مبنا قرار داده‌اند.

امروز حتی در زمینه علوم نیز مردم تقلید می‌کنند و از سخنان دانشمندان تقلید می‌کنند و خبری از تحقیق نیست. نتیجه این امر در فرهنگ عمومی آن است که هر کس به دنبال بت خودش می‌رود و این بت‌ها مبنای دنیای جدید است.

سیدحسین امامی